



دفتر ملی کتابخانه و اسناد
کتابخانه ملی و اسناد ایران - بلوار ولیعصر - تهران - پ. م. ۱۹۷۹۹
تلفن: ۷۹۷۶۹۹۹
فکس: ۷۹۷۶۹۹۹
www.onis.gov.ir

میرزا علی
میرزا علی میرزا
میرزا علی میرزا
میرزا علی میرزا

دموگراسی یا حقیقت

رساله ای جامعه شناختی در باب روشنفکری ایران

علی میرزا سپاسی

فهرست

- پیش‌گفتار ۷
- فصل اول: ایران دو قرن بعد از «نامه‌های ایرانی» ۱۵
- فصل دوم: دموکراسی، عقل و ایمان ۴۵
- فصل سوم: جامعه نیک و دموکراسی ۶۵
- فصل چهارم: نقد اخلاقی و حقیقت‌پراگماتیک ۱۰۹
- فصل پنجم: روشنفکران ایرانی و معاصر بودن ۱۲۷
- فصل ششم: بحران جامعه‌شناسی در ایران ۱۵۱
- فصل هفتم: مدرنیته و جامعه در حال گذار ۱۷۳
- منابع ۱۹۷
- نمایه ۲۰۱

فصل اول

ایران دو قرن بعد از «نامه‌های ایرانی»

زمانی که منتسکیو متفکر نام‌آور فرانسوی کتاب نامه‌های ایرانی^۱ را در سال ۱۷۲۱ میلادی نوشت و از ترس مقامات کلیسا آن را با نام مستعار چاپ کرد، احتمالاً تصور نمی‌کرد که حتی بعد از دو قرن، ایده‌آسی این کتاب هنوز مورد بحث و گفت‌وگو قرار گیرد. خاصه آن‌که این کتاب به گفته نویسنده آن نه اثری تحقیقی بود نه شرحی تاریخی. این اثر «رمانی» بود که منتسکیو آن را با الهام از گفته‌های شرق‌شناسان آن عصر درباره شرق و خصوصاً دنیای اسلام (و به طور عمده خلافت عثمانی) در قرن ۱۸ میلادی نوشت. می‌دانیم که این کتاب به رغم تصور نویسنده آن با استقبال وسیع فرانسویان روبرو شد و به یکی از پرفروش‌ترین کتابهای آن روزگار فرانسه بدل گشت. آنچه در ابتدا مورد علاقه فرانسویان قرار گرفت تصویرهایی بود که منتسکیو از دنیای جنسی حرم در ایران و دیگر کشورهای اسلامی ترسیم کرده بود. هرچند قصد منتسکیو نوشتن رمانی «اروتیک» نبود، خوانندگان او چنین برداشتی از آن کردند. اما نویسنده این کتاب به چه قصدی آن را نوشت؟ البته منتسکیو، خود بعد از چاپ اول کتاب می‌گوید که نوشتن کتابی نقادانه درباره مشکلات و معضلات اجتماعی که ناشی از غلبه روحانیت و کلیسا بر حوزه‌های عمومی و خصوصی انسان باشد و تأکید بر ستمی که حاکمیت سلطنت مطلقه بر مردم

1. Montesquieu (1973), *Persian Letters*, Harmondsworth, Penguin.

اعمال می‌کند (یعنی نقد دو نهاد مهم در تاریخ اجتماعی فرانسه)، فقط با خلق داستانی دربارهٔ دنیایی به ظاهر بیگانه و غریبه با فرانسه امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر منتسکیو می‌خواست از طریق آشنا کردن مردم فرانسه با مسائل اجتماعی و فرهنگی دنیایی که برای آنان کاملاً بیگانه بود، مردم کشورش را با مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه‌شان آشنا کند. سنت عرفانی ایران، اندیشهٔ عصر روشنگری اروپا و امروزه تفکر پست‌مدرنیستی نیز این حقیقت را مطرح می‌کنند که آشنایی با تاریخ و زبان و فرهنگ «بیگانه» سبب شناخت عمیق‌تر و انتقادی‌تر از خود می‌شود. نمی‌دانم که در عصر مدرن آیا منتسکیو اولین متفکری بود که به طور جدی مسألهٔ شناخت «خود» از طریق آشنایی با «بیگانه» را مطرح کرد یا نه. اما حقیقت هر چه باشد، منتسکیو با نوشتن این کتاب، روایت ژرف و گسترده‌ای را در مقابل چشم ما قرار داده است. روایتی که از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسید، ژرف‌تر است، روایتی که معناهایی چندلایه‌ای را در خود پنهان دارد.

پیش از این در نوشتهٔ دیگری به طور مفصل به ارزیابی و نقد نامه‌های ایرانی پرداخته‌ام.^۱ زمینهٔ بحث من در آن کتاب ارزیابی تصویرهایی است که متفکران اروپایی از ایران ترسیم کرده‌اند. پرسشی که در آنجا مطرح کرده‌ام این است که به چه منظور متفکری فرانسوی مانند منتسکیو برای رها شدن از تیغ سانسور در فرانسه، با خلق دو مرد ایرانی، ازبک و ریکا، و از زبان آنان به نقد (و تحقیر) دنیای شرم‌آور و غیرانسانی ایران در قرن ۱۸ می‌پردازد؟ چرا منتسکیو با خلق این دو مرد اصفهانی و آوردن آنها به پاریس، از زبان آنان مدرنیتهٔ اروپایی را می‌ستاید و در مقابل، به نقد رابطهٔ خانوادگی و سیاسی و دینی ایرانیان و مسلمانان می‌پردازد؟ از نظر من بحث گفتمان شرق‌شناسی که ادوارد سعید به شیوه‌ای نقادانه مطرح می‌سازد، کتاب نامه‌های ایرانی منتسکیو

1. Ali Mirsepassi, (2000), *Intellectual Discourse and the Politics of Modernization, Negotiating Modernity in Iran*, Cambridge: Cambridge University Press.

را نیز در بر می‌گیرد. شکی نیست که داستان این دو ایرانی و تصویری که نامه‌های ایرانی از فرهنگ و روابط زناشویی (ستم مفرط بر زنان با محوریت کردن آنها در حرم) و فساد اخلاقی-سیاسی کشور ایران در آن سالها ترسیم می‌کند، سهم مهمی در ایجاد تصاویری از شرق در تصور غرب داشته است.^۱ اما روایت کتاب نامه‌های ایرانی از تفسیر اولیه‌ای که از آن به دست دادم پیچیده‌تر است. در ماه اکتبر سال ۲۰۰۱، هنگام اعلام برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبیات، بار دیگر مسألهٔ کتاب نامه‌های ایرانی مطرح گردید. آکادمی سوئد در بیانیه‌ای که در مورد اعطای جایزهٔ نوبل ادبیات به نویسندهٔ بریتانیایی وی. اس. نیپال (متولد ترینیداد و در اصل هندی) صادر کرد، در ستایش از وی خاطر نشان کرد که «نیپال فیلسوفی مدرن است که ادامه‌دهندهٔ سنتی است که در اصل با نامه‌های ایرانی و کاندید شروع شد».^۲ این بیانیه، نیپال^۳ را نویسنده‌ای می‌داند که ناقد بی‌امان جوامع پسااستعماری است و با تأکید بر دو سفرنامه‌ای که وی دربارهٔ کشورهای غیرعرب مسلمان (ایران، پاکستان، مالزی، اندونزی) نوشته است، وی را ناقد اسلام بنیادگرا خوانده است.

مطالب مندرج در این بیانیه فکر مرا به شدت به خود مشغول کرد، از یک سو خود من از اوضاع نابسامان و فساد و زورگویی سیاسی معمول در جوامع پسااستعماری، خاصه در کشورهای اسلامی منزجر بوده‌ام و نقد روابط قدرتی و فرهنگی را در این جوامع وظیفهٔ اساسی متفکران و روشنفکران می‌دانم. اما از سوی دیگر، تحقیر و سرکوبی فرهنگی این جوامع به دست روشنفکران محافظه‌کار غربی را نیز بخشی از مشکل این جوامع می‌دانم. در

1. Edward Said, (1979), *Orientalism*, New York, Vintage.

۲. Candide، اشاره به کتاب معروف ولتر است، ولتر در این کتاب به نقد باورهای فردی مذهبی که از رؤیت واقعیتها عاجز است می‌پردازد.

۳. نیپال در دو سفرنامهٔ خود که شرح دیدار او از ایران، پاکستان، مالزی و اندونزی است به بررسی قدرت گرفتن اسلام سیاسی می‌پردازد. این سفرنامه‌ها حاوی مشاهدات شخصی او و مصاحبه با سیاستمداران و روشنفکران است.